

## اهمیت نگارش و تدوین در تمدن اسلامی و دیدگاه اسلام نسبت به آن

زهرا ابادری<sup>۱</sup>

موسی غفاری چراتی<sup>۲</sup>

### چکیده:

در این مقاله سعی شده است ابتدا دیدگاه قرآن نسبت به نگارش بیان و به آیاتی که در این زمینه است اشاره شده، سپس به ذکر احادیث و روایتی که از ائمه (ع) در این مورد وجود دارد پرداخته شده است. همچنین دیدگاه اسلام نسبت به کتاب و کتابخوانی بیان شده است و از جهت آیات قرآن و احادیث مورد توجه قرار گرفته و به کتابخانه های بزرگی مانند رصد خانه مراغه و کتابخانه های بزرگ دیگری به همت دانشمندان مسلمان تأسیس شده است اشاره شد.. پس به عواملی مانند اختراع کاغذ، فتوحات اسلامی، دعوت مسلمانان به تألیف و تصنیف از طرف مکتب اسلام، اهتمام دانشمندان اسلامی به تألیف، علاقه خلفا به تألیف و ترجمه، انتقال حکومت از شام به بغداد، و راه یافتن ایرانیان به دربار خلفا، که باعث شد تألیف و ترجمه در تمدن اسلامی شکوفا شود اشاره شده است و در پایان به نخستین افرادی که در علوم مختلف اسلامی دست به تألیف زدند، اشاره شده است.

### واژگان کلیدی:

تمدن اسلامی، تألیف، نگارش، اسلام

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

<sup>۲</sup> - دانشجوی کارشناس ارشد حقوق عمومی.

## طرح مسأله:

نون و القلم و ما یسطرون. ما انت بنعمه ربک بمجنون. و ان لک لا جرا غیر ممنون و اَنک لعلی خلق عظیم. (قرآن، قلم، ۵-۱) سوگند به دوات و قلم و آنچه می نویسند. (ای پیامبر) تو در سایه نعمت پروردگارت دیوانه نیستی. و همانا برای توست پاداشی بی پایان. و حقا که تو به خلق و منش بزرگ آراسته ای.

بدون تردید بشر امروز در زمینه تکنولوژی آموزشی به پیشرفتهای شگفت انگیزی نائل شده و به ابزارهای آموزشی نوینی نظیر نوار کاست، ویدیو، فیلم، کامپیوتر، آنتن های ماهواره ای و رسانه های دیگر شنیداری و دیداری دست یافته است.

با همه این موفقیت ها هنوز کتاب، و کتابخانه در دنیای پیشرفته کنونی به عنوان مطمئن ترین و مؤثر ترین ابزار های آموزشی برای انتقال علم و فرهنگ ملتها، و افزایش اطلاعات و علوم مطرح است و در همه کشور های پیشرفته و توسعه نیافته در سطوح گوناگونی مورد بهره برداری قرار می گیرد، و به نظر می آید که هیچ وسیله آموزشی نتواند جای نوشته های علمی را گرفته، دانش پژوهان جهان را از آن بی نیاز سازد. شاید به سبب همین بود که خداوند منان در کنار معجزات فراوان دیگری چون معراج و شق القمر، معجزه جاودانه پیامبر اسلام و سند دائمی صدق ادعای نبوت و خاتمیت آن حضرت را برای همه مردمان، در هر زمان و مکان، از نوع کتاب و کلام مثنوی و موزون متین آسمانی انتخاب و به عنوان آخرین کتاب الهی بیش از ۵۰ بار آن را قرآن (مجموعه خواندنی) معرفی نموده است.

چنان که در آغاز نزول وحی به پیامبر عظیم الشان اسلام، نخستین فرمان قرآن و پیام اسلام پس از بسم الله آیه مبارکه: *إِقرأ بِاسمِ رَبِّک الذی خَلَقَ* (قرآن، علق، آیه ۲)؛ «بخوان به نام و یاد پروردگارت» بود. با این پیام، خداوند مهربان جهانیان، به ویژه مسلمانان را، به ارزش خواندن کتاب و اهمیت نگارش با نام و یاد خدا متوجه می سازد، تا از این رهگذر در فراگیری علوم و فنون، با لا بردن سطح فرهنگ بشری، پیکار با جهل و نادانی و مبارزه با جمود فکری و علمی سخت تلاش نمایند، و خود را در مسیر تکامل و سعادت و

خوشبختی همه جانبه در دنیا و آخرت قرار دهند. چه قرائت و خواندن، نخستین گام به سوی آموختن و دانستن بلکه خود دانش است.

### نظر قرآن و روایات نسبت به نگارش و اهمیت علم

در قرآن کریم نسبت به کاربرد این واژه عربی عنایت خاصی به چشم می خورد، به طوری که حدود ۴۱۹ بار مشتقات ماده کتاب در قالب اسم، فعل، مفرد، جمع و کلمات ترکیبی در کلام خدا بدین شرح استعمال شده است:

کلمه "الکتاب و کتاب" به صورت مفرد، جمعاً ۲۵۵ بار در معنای کتاب مقدس آسمانی، کتاب سرنوشت، نامه اعمال، سند و نامه معمولی به کار رفته که بیشتر موارد منظور خود قرآن کریم است، و کُتِب جمع آن، ۶ بار که آیه رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً. فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (قرآن، بینه، ۲-۳) «رسولی از جانب خدا فرستاده شد تا کتب آسمانی پاک و منزه را بر آنها تلاوت کند که در آن کتب نامه های حقیقت و راستی مسطور است.» از آن جمله است.

کلمه "اهل الکتاب" به معنای پیروان کتابهای آسمان (یهود، نصارا و مجوس) ۲۸ مرتبه و ۳ بار کاتب به معنای نگارنده و کاتبون و کاتبین هر یک ۱ بار (که فرشتگان ثبت کننده اعمال بندگاند، و به خاطر این کار از آنان نیز با احترام کرام الکاتبین یاد شده است) بکار رفته است.

در آغاز سوره طور خداوند یکبار به کتاب سوگند یاد نمود و فرمود: وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ؛ «قسم به طور سینا، قسم به کتاب مسطور قرآن در صحیفه گشوده فرقان».

گرچه در بین مفسران اختلاف وجود دارد که مقصود از ((کتاب مسطور)) در آیه آیا کتاب تورات است یا لوح محفوظ؟ (نوشتاری که خدا در آن، حوادث گذشته و آینده را ثبت می کند و فرشتگان آن را می خوانند و اجرا می نمایند) و یا این که نامه اعمال یا مطلق جنس کتاب؟ که شامل هر نوشته ای خواهد بود. (مطهری، ۱۳۶۴، ۱۴)

منظور از کتاب در این آیه هر چه باشد، همه مفسران بر حرف قسم بودن ((واو)) اتفاق

نظر دارند و نیز همگی بر این عقیده اند که مسطور به معنای به سطر کشیده و رق یعنی ورق و منشور مترادف میسوط، پراکنده و منتشره و گسترده و گشوده می باشد. خداوند به کتاب متصف و به نوشته در ورق پراکنده سوگند یاد کرده تا جایگاه و ارزش والایی را که کتاب در بینش قرآن و فرهنگ غنی اسلام از جهت حفظ دین و آثار آن دارد، برای همگان روشن سازد. و با این تعبیرات نورانی توجه مسلمانان به نگارش و مطالعه و نگهداری کتابهای دینی و علمی، اجتماعی و اخلاقی و... بیش از پیش جلب نماید. (شکویی، ۱۳۶۱، ۲۱) همان گونه که پیشوایان معصوم برای «کتاب و کتابت» اهمیت فراوانی قائل بوده اند. در این جا به عنوان گزیده ای از سخنان برگزیدگان خدا در مورد اهمیت کتاب اشاره می شود:

پیامبر اکرم (ص) در فرمانی به یاران خود فرمود:

قَدُوا الْعِلْمَ قِيلَ وَ مَا تَقِيدهُ؟ قَالَ كِتَابَتُهُ؛ (مجلسی، ۱۳۶۳)

دانش را در بند کنید. پرسیدند: چگونه؟ حضرت فرمود: با نوشتن آن.

امیر المومنین حضرت علی (ع) فرمود:

الْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ؛: کتابها باغهای پر گل دانشمندان هستند. (آمدی، ۱۰۳۴)

رئیس مذهب جعفری امام صادق (ع) به مفضل بن عمر فرمود:

أَكْتُبُ وَ بُثَّ عِلْمُكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنَّ مَتَّ فَاوْرَثَ كِتَابِكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنَسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ. بنویس و دانش خود را بین برادران دینی ات پخش کن. پس اگر مردی، کتابهایت را برای فرزندان خود به ارث گذارد، زیرا برای مردم، زمانه پر آشوبی فرا می رسد که جز بانوشته هایشان آسوده خاطر نمی شوند. (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ۸۰) اسلام بیش از هر آیینی به کتاب و نوشتار که مادر دانشهاست توجه کرده است. این خود بزرگترین دلیل پویایی دین مقدس و جهانی اسلام است؛ تا آن جا که در سخنان بنیان گذار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) ارزش مرکب خامه نویسندگان، از خون ارزشمند و مقدس شهیدان برتر معرفی شده، می فرماید:

وقتی قیامت برپا شود خون شهدا با دستخط علما سنجیده می شود و قلم دانشمندان

متعبد بر خون شهیدان متعهد برتری می یابد. نیز پیامبر فرمود:

هر کس بمیرد و میراث او دفترها و دستنوشته ها باشد، بهشت بر او واجب می شود. به این ترتیب کتاب را بهترین میراث پدران معرفی می نماید. با توجه به قداست و حرمت علم و قلم و کتاب در فرهنگ اسلام و تأکید پیشوایان دینی ما بر تشویق به کتابت و نگارش و تجربه حرمت گذاشتن به کتاب خدا از سوی بزرگان دین بود که با عدم امکانات و وجود مشکلات و محدودیتهای گوناگون، خوشبختانه دیری نپایید که میراث عظیمی از علوم و فنون مختلف به وسیله دانشمندان مسلمان مخصوصاً ایرانیان به یادگار ماند. به نقل از محدث جلیل القدر شیخ حرّ عاملی آثار مکتوب ارزنده ای مخصوصاً از شیعه به جای مانده که تنها یاران نزدیک اهل بیت ۶۶۰۰ کتاب نگاشته اند. ابن ابی عمیر با ۹۴ کتاب، ابن دؤل با ۱۰۰ نوشته، ابن شاذان با ۱۸۰ اثر و هشام کلبی با ۲۰۰ نوشتار، نمونه هایی از اصحاب پرکار امام صادق بوده اند. در ادوار بعد، تلاش مخلصانه شیخ مفید با ۲۰۰ عنوان کتاب و ابن سینا با ۴۵۴ اثر علمی در رشته های مختلف علوم و فنون، بهترین گواه بر این واقعیت است. (خوانساری، ۱۳۹۰، ۳۷۲)

اما روایات که در راستای قرآن و به منزله تفسیر و تبیین آن است منتخبی از آنها در اینجا ذکر می شود. اهمیت و ارزش علم و نگارش در اسلام همین بس که مرز زمانی و مکانی، جنسیتی، عقیدتی در مسائل علمی و آموزش را برداشته است: "اطلبو العلم من المهدالی اللحد: زگهواره تا گور دانش بجوی." (فیض کاشانی، ۱۳۲۹، ۲۹)

(مرز زمانی را بیان می کند)

«اطلبو العلم ولو با لصین: بدنبال علم برو هر چند که باید تا چین راه طی کنی.» (مرز مکانی)

"طلب العلم فریضه ها علی کل مسلم و مسلمه: آموزش علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است." (اگر چه کلمه مسلمه هم در روایت نباشد با کل مسلم شامل زنان می شود).

«خذ و العلم ولو من اهل الضلال: علم را هر چند از گمراهان هست بیاموز.» (مرز عقیدتی)

پیامبر(ص) فرمود: " اعذ عالمأ او متعلمأ او مستعمأ او محبأ ولا تكن الخا مسه فتهلكأ: صبح کن در حالیکه یا دانشمند باشی یا دانشجو و یا حداقل مستمع و نهایتاً دوستدار علم و دانش و اگر غیر از اینها باشی به صحنه هلاکت پا نهادی." (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۴۲)

در جنگ بدر که جمع زیادی از لشکر دشمن به اسارت مسلمانان در آمدند پیامبر(ص) فرمودند: که هر کدام از اسیران می توانند به ده نفر از کودکان مدینه خواندن و نوشتن یاد دهند و آزاد شوند.

در مورد ارزش نگارش همین بس که پیامبر(ص) فرمود: جوهر قلم دانشمندان از خون شهیدان در راه خدا برتر است. در اینجا مناسب است که به بخشی از احادیث که خصوصاً در مورد ارزش تألیف است اشاره شود: یکی از انصار که خدمت حضرت می رسید و سخنان وی را می شنید ولی فراموش می کرد نگرانی خود را خدمت حضرت ابراز نمود. حضرت فرمود از دست راست خود مدد بگیرد و اشاره فرمودند که بنویس. عبد الله ابن عمر از پیامبر(ص) سؤال کرد آیا علم را مقید نمایم؟ فرمود آری، کسی سؤال کرد چگونه؟ فرمود آنرا بنویسید.

پیامبر(ص) فرمود: من كنت عنی علماً او حدیثاً لم یزل یکتب له الاجر ما بقی ذالک و الحدیث: کسی که از من دانش و یا حدیثی را بنویسید تا آنگاه که آن نوشته باقی است به او اجر و ثواب می رسد.

"عن النبی (ص): المومن اذا مات و ترک ورقه واحده علیها علم تکون تلک الورقه یوم القیامه ستر فیما بینه و بین النار واعطا الله بکل حرف مکتوب علیها مدینه اوسع من الدنیا منبع مرات." "

هر مومنی که بمیرد و نوشته ای هرچند کم از خود باقی گذارد آن نوشته در روز قیامت بین او و عذاب حائل ایجاد می کند و خداوند در برابر هر حرفی از نوشته های شما در آخرت شهری بزرگتر از همه دنیا عنایت خواهد فرمود.

وباز پیامبر(ص) فرمود: " اکتبوا العلم قبل ذهاب العلم و انما ذهاب العلم بموت العلمأ " قبل از مرگ و از دست رفتن دانشمندان علوم آنها را به رشته تحریر در آورید که با از

دست رفتن آنها علوم آنها نابود خواهد شد.

حضرت علی (ع) در مورد کتاب می فرماید "الکتاب ترجمان النیه" کتاب منعکس کننده درون است. همچنین حضرت علی (ع) می فرماید: الخط لسان الید: نوشته زبان دست است. و باز در جای دیگر می فرماید: "رسول الرجل ترجمان عقله و کتابه ابلاغ من نطقه" فرستاده انسان بیانگر عقل او و کتاب او از بیانش رساتر است. عقول الفضلاء فی اطراف عقله و برهان فضله: تفکر دانشمندان را از نوشته های آنها می توان بدست آورد. کتاب المرء معیار فضله... کتاب انسان بیانگر اندیشه او و برهان دانش اوست. (آمدی، بی تا، ۴۳)

امام حسن مجتبی (ص) ضمن تشویق فرزندان و برادر زادگانش به علم و دانش فرمود: اگر حفظ آن را مشکل می دانید به صورت کتاب در آورید و در منزل از آن نگهداری کنید. امام صادق (ع) که بیشترین حدیث به لحاظ موقعیت زمانی ایشان از آن حضرت نقل شده است در این موضوع می فرماید: «احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیها» کتابهای خود را حفظ کنید که در آینده به آنها احتیاج خواهید داشت. (بحرانی ۱۴۰۵ق، ۴۶)

قال الصادق (ع) اکتبو فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا: علم خود را به صورت کتاب در آورید تا حفظ شود و بنویسید و بدانید که تنها کتاب است که علوم شما را محفوظ می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۵۳)

### تأملی در سوگند های قرآنی به ابزار های نگارش

با مروری کوتاه در قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی روشن می شود بیشتر سوگند های قرآنی در آیات نخستین و ۷ جزء آخر قرار دارد که مجموعاً ۴۰ بار تکرار شده است. خداوند منان، مستقیم و غیر مستقیم، به ۳۰ مورد از موضوعات آسمانی و ۲۰ مورد از موجودات زمینی در قرآن برای یادآوری منافع و فواید این حقایق و اشیاء و نشان دادن عظمت و اهمیت آن نعمتها به شرح ذیل قسم یاد نموده است:

خدای متعال ۱۴ بار، قرآن ۵ بار، پیامبر اسلام ۳ بار، فرشتگان ۳ بار، قیامت ۳ بار. نفس (روان) و نفس لواحه (وجدان) هر کدام ۱ بار، شهر مکه ۲ بار، کوه طور ۱ بار، آسمان ۶ بار، ماه ۳ بار، خورشید ۳ بار، ستارگان ۴ بار، زمین ۲ بار، ابر، باد و دریا هر کدام ۱ بار، شب ۲

بار، صبح ۳ بار و روز ۷ بار.

آفریدگار جهان در سوره حاقّه آیات ۳۸-۳۹ نیز یک بار دو چهره همه هستی را مقسمّ به و مورد سوگند قرار داد و فرمود: فلا اقسّم بما تبصرون و مالا تبصرون؛ ((نه قسم به آنچه می بینید و آنچه نمی بینید)). و با سوگند به همه دیدنیها و نادیدنیها و حقایق محسوس و نامحسوس، روح کنجکاوی بشر به دقت و کنکاش و مطالعه در راز آفرینش سراسر هستی و حکمت آفریدگار آن را وا می دارد، و چشم دل و عقل انسان را به تحقیق و پژوهش درباره حقایق جهان باز می نماید.

بنابر این، فلسفه کلی سوگند به دوات، قلم، نوشته و کتاب به عنوان فراگیری علم و نیز تأکید بر خواندن قرآن در آغاز نزول وحی و تکرار ۱۰۵ بار واژه علم و ۷۷۰ بار مشتقات آن در کلام خدا نشانه قداست دانش و ارزش دانش اندوزی بدون هیچ گونه محدودیت زمانی، مکانی، عقیدتی، سنی و جنسیتی در منطق قرآن و اسلام است.

خدای مهربان با این سوگندها نخست مسلمانان را به تعلیم و تعلم علوم تشویق و ترغیب و ثانیاً به جهانیان ثابت نمود بر عکس برداشتهای پیرامون آیینهای تحریف شده دیگر، اسلام دین دانش و عمل است و همه دستوراتش بر پایه عقل و اصول علمی استوار است که با توسعه و پیشرفت علوم بشری بر عظمت و ارزش تعلیم و احکام نورانی آن افزوده خواهد شد و هیچ گونه کم و کاستی با افزایش دانش و بینش انسانی در آن پدید نخواهد آمد.

از دیدگاه صاحبانظران یکی از جنبه های اعجاز قرآن، سوگندهای فراوان آن است که با قسم خوردن به پدیده هایی که برای خداوند و برای بشر، مفید و گرانقدر می باشند، ذهن و اندیشه محققان را به خود جلب نمود و بدین وسیله مردم را به مطالعه و شناخت طبیعت آثار و خواص و اسرار آن تشویق کرد.

سوگندهای قرآن به دنبال تعالیم خشک و ضدرفاه مسیحیت با معرفت و دانش بزرگترین وسیله و عامل گرایش افکار و اندیشه های انسانها بر پژوهش در اسرار موجودات هستی به حساب می آید و خداوند می خواست دانشمندان در سایه این تلاشها و کنکاشها



درب های علوم و دانشها را به سوی جامعه انسانی بگشایند و خود و جامعه را از جهل و خرافه پرستی و عقب افتادگی و رکود مادی و معنوی برهانند.

نتیجه دیگر این شیوه قرآن، اثر اعتقادی و توحید این نوع نگرش به طبیعت است که قرآنیان با مطالعه در نظام شگفت انگیز حاکم بر طبیعت، آیات و نشانه علم، قدرت، تدبیر و حکمت الهی را به روشنی حس می نمایند، و با کمک فطرت خداجوی و عقل حقیقت خواه نوع انسان را متوجه قدرت نامتناهی آفریدگار متعال نموده و او را به بندگی و پرستش و شکر و سپاس در برابر حضرتش وا می دارند و از این راه، بشریت سرگردان را به شاهره سعادت همه جانبه فردی و اجتماعی در دنیا و آخرت رهنمون می شوند.

### وضعیت تألیف در تاریخ اسلام

مسلمانان نخستین، با الهام از آیات قرآن و روایات و عمل کردن به دستورات حیاتبخش اسلام و رهبری پیشوایان دینی خود، توانستند نهضت عظیم فکری و علمی را در طول دوران جاهلیت و قرون وسطی در جهان پایه گذاری و پاسداری نمایند و هزاران کتاب و اثر علمی در موضوعات متنوع بنویسند و صدها کتابخانه چند هزار جلدی در سراسر حکومت پهناور اسلامی تأسیس نمایند و پرچم پر افتخار اسلام را در اقصی نقاط جهان به اهتزاز در آورند و طبق نظر یکی از محققان ایرانی به زبان انگلیسی، بنیانگذار ۸۰٪ علوم کنونی در همه جهان مسلمانان هستند. (همایونفرخ، ۱۳۴۴، ۳۰)

به اعتراف محققان اروپایی در اثر علاقه مفرطی که مسلمانان به کتاب و کتابت داشتند، تمدن و فرهنگ درخشانی را با نگاشتن کتابها و تأسیس مراکز علمی در شهرهای بزرگ بنیان نهادند و در ایران، بغداد، مصر، شام و اندلس کتابخانه های عظیمی را ایجاد کردند. چنان که نوشته اند.

سه قرن از رحلت پیامبر اسلام نگذشته بود که شهر قرطبه با یک میلیون جمعیت، هشتاد مدرسه عمومی و کتابخانه ای شامل ششصد هزار جلد کتاب به زبان عربی که زبان علمی جهان شده بود، مهد علوم به حساب آمد.

علاوه بر کتابخانه ۶۰۰۰۰۰ جلدی قرطبه، کتابخانه رصد خانه مراغه به همت خواجه

نصیرالدین طوسی با ۴۰۰۰۰۰ جلد، کتابخانه نجف در زمان شیخ طوسی (قرن دهم میلادی) با ۴۰۰۰۰ جلد، کتابخانه بغداد با ۱۰۰۰۰۰ جلد، کتابخانه عزیز خلیفه قاهره با ۱۶۰۰۰۰۰ جلد که ۶۵۰۰ جلد آن در ریاضیات و ۱۸۰۰۰ مجلد آن در فلسفه بود، کتابخانه صاحب بن عباد با ۲۰۶۰۰۰ جلد و کتابخانه یکی از قضات او با ۱۰۵۰۰۰ جلد کتاب از کتابخانه های معروف اسلامی بود که محل آمد و رفت دانش پژوهان و دانشجویان در کشور پهناور اسلام به حساب می آمدند. (همایونفرخ، ۱۳۴۴، ۳۱)

آنچه از تحقیقات گسترده تاریخی بدست می آید این است در عصری که اسلام ظهور کرد در جهان از علم و دانش جز به صورت محدود خبری نبود در یونان باستان فلاسفه و حکمایی وجود داشتند که در رشته های فلسفه و طب و نجوم تلاشهای گسترده علمی نموده و آثاری از خود به جای گذاشته بودند و همان آثار در کشور بزرگ روم بصورت ترجمه در آمده بود و روی آن کار می شد و به ایران سرایت نموده و رکن اصلی تدریس بود. در ایران قبل از اسلام حتی آموزش برای همگان آزاد نبود و مخصوص شاهزادگان و روحانی زادگان اما معلم زادگان بود و آنگونه که از داستان فردوسی بدست می آید کفاشی حاضر شده بود نصف هزینه قشون را بپردازد تا اجازه درس خواندن فرزندش از طرف پادشاه صادر گردد و این در خواست مورد اجابت قرار نگرفت.

در حجاز هم اصلاً خبری از علم و کتاب نبود و محققان بر این عقیده اند تعداد کسانی که در حجاز در آغاز اسلام سواد خواندن و نوشتن داشتند از تعداد انگشتان تجاوز نمی کرد.

پس از اسلام در طول چندین قرن یک نهضت علمی بزرگی از سوی مسلمانان، در دنیا ایجاد شد و مسلمین هر جا رفتند به همراه خود علم و فرهنگ آوردند در بلادی که اسلام حاکم شد در سطح گسترده دانشمندان زیادی تربیت شدند و کتابخانه های بزرگی احداث گردید و علوم متنوع مورد تدریس و بحث قرار گرفت و بی شک این سطح گسترده علم و دانش میراث قبل از اسلام نیست زیرا در آن زمان غیر از همان تعداد مذکور دانشمندی وجود نداشت اروپا در آن زمان در روزگار بربریت به سر می برد.

تاریخ دانشمندان معروف اروپایی به ۲ الی ۳ قرن قبل بر می گردد و آمریکا وجود خارجی نداشت، دانشمندان بزرگ ایرانی هم که از افتخارات سرزمین ما هستند چون بوعلی سینا، زکریای رازی و دیگران، همگان تربیت یافتگان پس از اسلام اند. ایرانیان در علوم مختلف پیشرفتهای چشمگیری کردند و در رشته های گوناگون مهمترین و اصلی ترین و ارزشمند ترین کتاب ها را نوشته اند که آنها تا سالهای اخیر مورد تدریس قرار گرفته ولی این مهم است که همه آنها مربوط به بعد از اسلام است از مجموع اینها می توان استفاده کرد که آنچه پس از اسلام در دنیا پیش آمد و نهضت بزرگ و گسترده علمی که ایجاد شدن نشأت گرفته از اسلام است. این اسلام است که چنین دیدی را نسبت به جامعه، به علم و دانش و کتاب و کتابخانه ایجاد نمود و بسیج عمومی به سمت علم و دانش به وجود آمد و آن چنان شیفتگی و عشقی نسبت به خواندن و مطالعه و نوشتن در جامعه ایجاد شد که علاقه به کتاب و جمع آوری آن و تأسیس کتابخانه به صورت فرهنگ در آمد این حرکت برخاسته از موضع اسلام است: (ماهر حماده، ۱۳۹۸ق، ۲۱)

### عوامل مؤثر در تألیف و تصنیف در اسلام

بزرگان و علما فرموده اند، موجودات از حیث مراتب وجود چهار دسته اند:

- ۱- موجوداتی که ذاتاً وجود دارند؛ ۲- موجوداتی که در ذهن وجود می یابند؛ ۳- موجوداتی که به زبان وجود پیدا می کنند؛ ۴- موجوداتی که با قلم به وجود می آیند.
- از این چهار قسم تعبیری کنند به عیان، جان، لسان، بیان. آنچه انسان با چشم خود مشاهده می کند تعبیر به عیان می شود به این معنی که آن شیء ذاتاً وجود دارد و بعد از دیدن آن شیء شکل آن در ذهن تصویر می شود و در اطراف خلقت و پیدایش آن می اندیشیم که آن را وجودذهنی می گویند پس از آن انسان در صدد برمی آید که حاصل اندیشه ها و مطالعات خود را به دیگران انتقال دهد که آنها نیز از آنچه او می داند بهره مند شوند این را موجود زبانی می گویند. بعد از این مرحله انسان در صدد برمی آید افکار یا دانسته های خود را به تحریر در آورد تا عموم مردم از آن بهره بگیرند این را موجود قلمی می نامند یعنی وجود آن وابسته به وجود قلم است. در فضیلت قلم و کتابت همین بس که

خداوند در قرآن بدان سوگند یاد کرده است "نون والقلم و ما یسطرون" و مهمتر از آن در اول سوره علق که آیات آن اولین آیاتی است که بر پیغمبر نازل شد، از اهمیت علم و قلم و دانشی که به انسان آموخته و کاری که در انتشار علم فضیلت دارد، سخن به میان آورده است. آنچه به زبان گفته می شود کم دوام و ناپایدار و به زودی از اذهان مردم یا خود شخص محو می شود پس قلم است که مطالب علمی و کلمات بزرگان عالم را در روزگاران حفظ کرده است. خداوند به قلم قسم خورده اما به زبان قسم نخورده در صورتی که زبان مقدم بر قلم است زیرا اگر چه زبان اصل و قلم فرع است ولی آثار زبان به واسطه قلم باقی می ماند. اگر قلم و کتابت نبود از کجا این همه آثار دینی و مذهبی باقی می ماند و موجبات سعادت و آرامش و آسایش بشر را فراهم می آورد. (شلی، ۱۳۶۱، ۶۸)

اما به هر حال آنچه از اسناد تاریخی بر می آید بی شک هنگام نزول اسلام در سرزمین وحی از علم و کتابت خبری نبود. مجموعه سرمایه علمی و فرهنگی اعراب منحصر به سروده هایی در وصف زنان زیبارو و یا مدح شخصیتها و یا احیاناً در هجو آنان و در عین حال تعداد افرادی که سواد خواندن و نوشتن داشتند بسیار اندک بود و بعضی از تاریخ نویسان و محققان تعداد آنان را هفده نفر نوشته اند. با بعثت پیامبر اکرم (ص) اساس کتاب پایه گذاری شد و پس از نزول آیات، پیامبر اکرم در حیات خود دستور تدوین و جمع آوری آیات را به صورت کتاب صادر فرمودند و این اولین کتابی بود که در تاریخ اسلام تدوین گردید.

ماهر حماده می نویسد: اولین کسی که نسبت به ترجمه کتابهای یونانی و مصری به عربی اقدام کردن خالد بن یزید بن معاویه بود که دستور داد کتابهای طبی را از مدرسه اسکندریه مصر به شام منتقل و سپس آنها را ترجمه کنند. هشام بن عبدالملک مروان اموی قریب همان عصر، مترجمی داشت که کتابهای مختلف را به عربی ترجمه می کرد. (ماهر حماده، ۱۳۹۸ق، ۲۸)

بعد از عصر بنی امیه و شروع حکومت بنی عباس چند عامل کار تألیف و تصنیف و ترجمه را سرعت بخشید. این عوامل به طور خلاصه عبارت است از:

### ۱- اختراع کاغذ

از جمله چیزهایی که حرکت علمی تألیف و ترجمه را سرعت بخشید، اختراع کاغذ بود تا قبل از آن باید روی پوست، چوب، ورقهای درختان و غیره می نوشتند و این امر موجب کندی و دشواری کار می شد. ظاهراً اختراع کاغذ همزمان با اوایل خلافت عباسیان بود. (محسن، الامین، بی تا، ۱۸)

به نوشته مقریزی بعد از حکومت بنی امیه، اولین خلیفه عباسی ابوالعباس سفاح روی کار آمد و خالد بن برمک را وزیر خود قرار داد. وی دفاتر دیوان را روی پوستها می نوشت سپس جعفر بن یحیی برمکی در عصر هارون به وزارت رسید، وی کاغذ را مورد استفاده قرار داد که تاکنون نیز رایج است. (المقریزی، ۱۹۲۸م، ۱۷)

همچنین قلقشندی می نویسد: در عصر هارون الرشید کاغذ رایج بود و وی دستور داد در نوشته های دولتی تنها از کاغذ استفاده شود زیرا نوشته های روی پوست قابل پاک کردن و تغییر دادن و سوء استفاده است ولی نوشته های روی کاغذ قابل تغییر و دست زدن نیست زیرا هنگام تغییر، اصل کاغذ صدمه می بیند و تجاوز شناخته می شود. (القلقشندی، ۱۳۳۲ق، ۶۲)

بعدها تولید کاغذ در بلاد اسلامی رایج گردید. در قرن هفتم میلادی در محله دار قزوهی بغداد موسسه کاغذ سازی تأسیس گردید و در قرن هشتم میلادی در مصر کاغذ سازی رایج گردید و همزمان اندلس نیز مرکز تولید کاغذ شد که تمرکز آن در شهر شاطبه بود و به بلاد دیگر اروپا صادر گردید. اروپاییان صنعت کاغذ سازی را از مسلمین آموختند، از طرفی رفت و آمد آنها به اندلس موجب فراگیری آنان گردید و از طرف دیگر در حمله های صلیبی به بلاد اسلامی مثل بغداد، مصر و شام این صنعت را از مسلمانان فرا گرفتند. با گسترش تولید کاغذ تجارت کاغذ رواج یافت. در بازار های مختلف دکانهایی تحت عنوان وراقی به فروش کاغذ اشتغال یافتند و در اکثر جاها کاغذ فروشی و کتاب فروشی با هم بود که بعد ها به صورت بازار های کتاب در آمد. کاغذ فروشی از کار های فرهنگی محسوب می شده است حتی افراد با سواد و دانشمند به این شغل اشتغال داشتند. در عصر مأمون عباسی در بازار وراقان بغداد بیش از صد مغازه کاغذ فروشی وجود

داشت. در هر صورت این اختراع ارزشمند به تألیف و تصنیف شتاب زیادی بخشید. (همایونفرخ، ۱۳۶۳، ۴۷)

## ۲- فتوحات اسلامی

بی تردید فتوحات اسلامی در تألیف و تصنیف کتاب تأثیر بسزایی بر جای نهاد از این جهت که اولاً مسلمین بیش از آن که علاقه به آزاد سازی سرزمینها داشته باشند، به هدایت و راهنمایی توده های مردم به بند کشیده و اسیر شده و در دست دشمنان اهتمام می ورزیدند و ارشاد و هدایت آنان را رسالت اسلامی خود می دانستند. همان گونه که فرمانده سپاه اسلام در فتح ایران گفت: برای آزاد کردن مردم از بردگی و هدایت آنان آمده ایم. از طرف دیگر مردمی که تازه از قید و بند آزاد شده بودند گرایش شدیدی به شناخت ایده و پیام فاتحان داشتند به عنوان مثال اگر اندکی وضع اسف بار تحصیل در کشور بزرگی چون ایران را بررسی کنیم، به تشنگی توده های مردم ایران آزاد شده آن عصر نسبت به علوم و معارف اسلامی پی خواهیم برد. فطری بودن احکام نورانی اسلام و جذابیت آن این گرایش را تشدید می کرد. مجموعه این عوامل زمینه ساز تألیف و تدوین معارف اسلامی برای ارائه به بلاد آزاد شده گردید. از طرف دیگر کتابهای گذشتگان که در بلاد فتح شده موجود بود به مرکز اسلام منتقل می گردید و می بایست به زبان رایج یعنی عربی ترجمه شود تا مورد استقبال قرار گیرد.

با بررسی تاریخ سده های اول ورود اسلام به ایران در می یابیم که ایرانیان بیشترین استقبال را از معارف اسلامی نمودند و تحقیقاً بزرگترین دانشمندان و نویسندگان در رشته های مختلف علوم از ادبیات عرب گرفته تا فقه و اصول و فلسفه و طب و نجوم و ریاضی و غیره ایرانی بودند. به عنوان نمونه در تفسیر، نویسندگان معتبرترین کتابها از قبیل تیبان، مجمع البیان، تفسیر رازی، برهان، کشاف بیضاوی نیشابوری، ایرانی بودند. محدثان بزرگ از جمله صاحب کتب اربعه و کتب سته أهل سنت و بزرگترین لغوین از قبیل فیروزآبادی، نیشابوری، راغب اصفهانی و غیره و ادیبان بزرگ عربی مثل سیبویه، اخفش، کسائی، فرّاء، ابوعلی و در فلسفه شخصیهایی مثل بوعلی سینا، بهمنیار، قطب الدین شیرازی، خواجه نصیرالدین طوسی همگی ایرانی اند. نتیجه آن فتوحات اسلامی زمینه ساز تألیف و تدوین

کتاب و گسترش آن در جهان اسلام بود. (ماهر حماده، ۱۳۹۸ق، ۲۶)

### ۳- دعوت مسلمانان به تألیف و تصنیف از سوی مکتب اسلام

از عوامل بسیار مهم در گسترش تألیف و تحقیق کتاب در اسلام آن است که این مکتب حیات بخش، پیروان خود را به مطالعه و تعقل و تدبر فرا می خواند. هیچ مکتبی به اندازه اسلام به علم و تعلیم و تعلم آن و نگارش و انتقال آن سفارش نکرده است. قرآن پیام خود را از علم آغاز کرد و معجزه اش کتاب بود. و در جای دیگر به قلم و نگارش سوگند یاد کرده است: ((ن والقلم و ما یسطرون)). در آیات زیادی علم و دانش را بالاترین ارزش می شمارد و رهبران معصوم آن در راه آموختن علم، مرزهای زمانی و مکانی و عقیدتی و جنسیتی را برداشتند و از پیروان خویش می خواستند در هر دوره ای از عمر و در هر مکانی و از هر کس چه زن و چه مرد به دنبال آموزش بروند. پیامبر اسلام (ص) پس از جنگ بدر که جمع زیادی از قوای دشمن به اسارت مسلمین در آمدند اعلام کرد هر اسیری که به ده کودک مسلمان خواندن و نوشتن بیاموزد آزاد خواهد شد و همچنین فرمود: کسی که از من دانش یا حدیثی بنویسد تا آنگاه که آن نوشته باقی است به او اجر و ثواب می رسد و هر مؤمنی که بمیرد و نوشته ای هر چند اندک از خود باقی گذارد آن نوشته در روز قیامت بین او و عذاب؛ حائل خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ۱۳۶۱)

علی (ع) در این باره طی سخنانی می فرماید: کتاب منعکس کننده درون است؛ نوشته ها زبان او هستند؛ تفکر دانشمندان را از نوشته های آنها می توان فهمید؛ کتاب بیانگر اندیشه و برهان دانش انسان است. (آمدی، بی تا، ۳۱)

امام مجتبی (ع) ضمن تشویق فرزندان و برادرزادگان خود به علم و دانش فرمود: اگر حفظ آن مشکل است به صورت کتاب در آورید و در منزل نگه دارید. ابا بصیر از اصحاب خاص امام صادق (ع) می گوید خدمت حضرت رسیدم فرمود: جمعی از اهل بصره نزد من آمدند، آنچه برای آنها گفتم نوشتند، چرا شما نمی نویسید بدانید اگر بخواهید بمانید تنها بوسیله کتاب وجود شما جریان می یابد. و نیز امام صادق (ع) به مفضل فرمود: کتاب بنویس و علوم خود را در میان برادران دینی منتشر ساز که اگر فوت کردی فرزندان کتابهای تو را به ارث ببرند و روزگاری خواهد آمد که هرج و مرج باشد و بهترین انیس

انسان کتابهای اوست. داوود جعفری می گوید قسمتی از کتابی را که یونس شب و روز نوشته بود به امام عسکری (ع) نشان دادم فرمود این کتاب تصنیف کیست؟ گفتم: یونس، فرمود: خداوند به عدد هر حرفی از این کتاب در روز قیامت به او نور خواهد بخشید.

واضح است که چنین سخنانی در باره کتاب و تألیف از ناحیه کسانی که متصل به وحی بوده و مطالب خود را اصلی ترین منبع وحی گرفته اند چه شوقی در جامعه برای تألیف و تحقیق ایجاد می کند و چنین نیز شد و نهضتی بزرگ در تألیف و تدوین ایجاد گردید. (البحرانی، ۱۴۰۵، ص ۵)

#### ۴-اهتمام دانشمندان اسلامی به تألیف

کوشش دانشمندان اسلامی و اهتمام آنها به تألیف و تدوین در تاریخ اسلام خود عاملی برای تشویق و گسترش این حرکت گردید زیرا جامعه معمولاً به دنبال اسوه ها و الگوها حرکت می کند و دانشمندان اسلامی عملاً نماد عملی توصیه های اسلام به تألیف و تدوین گردیدند. دانشمندان بزرگ ما از صدر اسلام به بعد امثال شیخ طوسی، صدوق، سید رضی و سید مرتضی هریک دارای تألیفات بسیار بودند و قبل از اینها نیز افرادی چون جابر بن حیان شاگرد معروف امام صادق (ع) آثار گرانقدری تألیف کرد. دانشمندان اسلامی علاوه بر تألیف و تدوین خود به جمع آوری کتابخانه نیز کوشیدند که به تأسیس صدها کتابخانه خصوصی و عمومی و نیمه عمومی انجامید که این امر به نوبه خود علاقه به تألیف و تدوین را در جامعه قوت بخشید.

#### ۵-علاقه سلاطین و خلفا به تألیف و تدوین

سلاطین و خلفا نیز مشوق تألیف و تدوین بودند. از آغاز نهضت علمی جهان اسلام در زمان امام باقر(ع) و امام صادق (ع) خلفای عباسی در این مسیر حرکت کردند اوج نهضت ترجمه کتابهای بیگانه به عربی در عصر هارون و مأمون دو خلیفه عباسی بود. این دو با همه انحرافات و با همه دشمنی نسبت به خاندان پیامبر (ص) در ترویج علم کم نظیر بودند. هیأت‌هایی به کشورهای بیگانه از روم و ایران و دیگر کشورها گسیل داشتند و از این طریق آثار علمی و کتابهای مختلف از اطراف و اکناف جهان به سوی مرکز حکومت اسلامی سرازیر گردید. با تأسیس بیت الحکمه بغداد که حالت آکادمی علمی و دارالترجمه



داشت دانشمندان زیادی برای ترجمه این کتب و نیز بحث و تحقیق و تألیف گردآمدند. بعد از آنها هم همین شیوه در میان سلاطین و خلفا ادامه یافت و بعضاً در رأس آنها دانشمندان معروف بودند. ابن عمید دانشمند معروف، وزیر آل بویه و ابن مسکویه کتابدار کتابخانه وی بود. صاحب بن عبّاد نیز در منصب وزارت ری قرارداشت و خود دارای کتابخانه ای عظیم بود. خواجه نصیرالدین طوسی در مقام وزارت هلاکوخان قرار داشت که خود صاحب کتابخانه عظیم مراغه بود. (مدرس زنجانی، ۱۳۶۳، ۴۶)

#### ۶- انتقال حکومت از شام به بغداد

انتقال مرکز حکومت از شام به بغداد در ایجاد زمینه تألیف و تحقیق مؤثر بود زیرا شام حالت بن بست داشت ولی با انتقال مرکز خلافت به بغداد ارتباط دنیا خصوصاً ایران به مرکز حکومت نزدیک گردید و دانشمندان از اطراف و اکناف به سوی بغداد روی آوردند و کار ترجمه و تألیف و خرید و فروش کتاب و نقل و انتقال فرهنگهای مختلف رونق گرفت و این امر نقطه عطفی بود در تألیف و تدوین کتب در فرهنگ اسلام، حتی جلسات بحث و مناظره از این زمان به بعد رونق خاص یافت و ترجمه رواج بسیاری یافت. همچنین از این زمان علوم عقلی بیشتر مطرح گردید و اشاعره که تنها طرفدار علوم نقلی بودند در انزوا قرار گرفتند. (الخطیب البغدادی، ۱۳۹۰، ق، ۴۹)

#### ۷- راه یافتن ایرانیان به دربار سلاطین و خلفای اسلام

این موضوع نیز عامل مؤثری در گسترش، تألیف و تصنیف در اسلام بود. اصولاً ایرانیان سهم عظیمی در تألیف و تدوین داشتند. حکومت بنی عباسی بدست ایرانیان قوام یافت و با وجود این که آنها سلطه عرب را بر ایرانیان نمی پسندیدند اما اقدام مثبت آنان، انتقال کتابهای یونانی به سرزمین اسلام بود. این کتابها سپس به عربی ترجمه شد و در اختیار مسلمانان قرار گرفت. توجه به دو ویژگی در این عصر تا حدودی روشنگر خواهد بود:

الف: دانشمندان، فرهنگ مطالعه و تحقیق را بسط دادند و یا در اثر تشویق مطالعه کنندگان با هدایا و موقوفات و جایگاههای استراحت و مطرح کردن کتاب به عنوان یک شیء گرانبها در این امر کوشیدند، تا آنجا که بهترین هدیه در آن عصر کتاب بود. آنان با نوشتن کتاب به نام شخصیتها و فرزندان خود حاکمان عصر خویش را به سمت کتاب و

کتابخانه سوق دادند و در فرزندان خود روح کتابدوستی دمیدند و فرهنگ تشکیل کتابخانه های خصوصی را توسعه دادند و کتاب و کاغذ را به عنوان یکی از پر رونق ترین کالاهای تجارتي در جامعه مطرح کردند و با نوشتن، به زبان قرآنی، کتاب را در کنار قرآن در سراسر جهان اسلام پراکندند و با تشکیل جلسات درس، عشق به مطالعه و کتاب را در شاگردان خود ایجاد کردند.

ب: حرکت دومی که دانشمندان در آن سهم مؤثر داشتند، تأسیس کتابخانه های گوناگون در سراسر جهان اسلام بود. برخی از آنان شخصاً به تأسیس کتابخانه دست زدند و در بعضی موارد به اداره کتابخانه ها پرداختند، کتابخانه های بیت الحکمه، مستنصریه و نظامیه از جمله این مراکز علمی است. در تأسیس کتابخانه های مساجد، مدارس، و دربارها نیز سهم بنیادی از آن دانشمندان بوده است. (ضیاءالدین سردار، ۱۳۶۲، ۴۲)

### نخستین مؤلفان در علوم مختلف اسلامی

در اصول فقه، امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) را پیشتازان این علم می دانند اما از اصحاب ائمه علیهم السلام اولین شخص را در این علم، هشام بن الحکم و سپس یونس عبد الرحمان دانسته اند. در علوم قرآنی نیز اولین مصحف توسط امیر المؤمنین علی (ع) جمع آوری و تصنیف شد و اولین کسی که نقطه گذاری قرآن را انجام داد و از این نظر آن را از تحریف حفظ کرد ابوالاسود دؤلی بود. همچنین نخستین شخصی که در علم قرائت قرآن و معانی آن کتاب نوشت ابان بن تغلب بود و اولین کسی که در فضایل قرآن کتاب نوشت ابی بن کعب و همچنین اولین کسی که در علم لغت قرآن کتاب تصنیف کرد، فراء یحیی بن زیاد بود.

محمد بن السائب الکلبی را نیز اولین شخصی دانسته اند که در احکام قرآن کتاب نوشته است و در تفسیر قرآن سعید بن جبیر التابعی و در تفسیر و تأویل و سایر انواع علوم قرآنی عبد الله بن عباس بن عبد المطلب را از پیشتازان دانسته اند. (ابن ندیم، ۱۸، ۱۳۴۶)

در سیره و تاریخ اسلامی و علم رجال و احوال راویان و علم فرق، عبیدالله بن ابی رافع را از متقدمان دانسته اند و او را بعد از امیر المؤمنین (ع) نخستین مؤلف علم حدیث شمرده

اند که کاتب حضرت نیز بوده است.

در علم نحو ابوالاسود دؤلی؛ در علم بیان و بدیع ابو عبدالله محمد بن عمران بن موسی بن سعید بن عبدالله المرزبانی الخراسانی الاصل؛ در علم نحو و عروض خلیل ابن احمد فراهیدی؛ در علم کلام ابو حذیفه واصل بن عطا المعتزلی و در علم اخلاق بعد از امیرالمؤمنین علی (ع)، اسماعیل بن مهران بن ابی نصر ابو یعقوب السکونی را اولین مؤلفان در این علوم دانسته اند. (رفیعی، ۱۳۷۲، ۸)

### نتیجه گیری:

از آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفت می توان نتایج ذیل را بدست آورد:  
با توجه به آیات و احادیثی که در اسلام نسبت به اهمیت نگارش و کتابت ذکر شده است می توان گفت اسلام دینی است که با علم ممزوج است و پیروان خود را به تعلیم و تربیت و تحقیق و مکالمه و تألیف تشویق می نماید و چه مسئله ای با لاتر از این که معجزه پیامبر اسلام کتاب است و نام آن قرآن است که از ماده قرائت و خواندن گرفته شده است و اولین آیاتش سخن از خواندن و تعلیم و قلم و آموزش دارد.

در رأس اسلام انسانهایی پرورش یافتند که برای تألیف و تصنیف و جمع آوری کتاب اهمیت ویژه ای قائل بودند و بعد از پیامبر اکرم که به دلایلی چیزی نمی نوشتند علی (ع) در تألیف پیشقدم گردید و امام حسن و امام حسین (ع) نیز از آن حضرت پیروی نمودند و در عصر امام صادق (ع) با تدریس وسیعی که راه انداختند تألیف و تصنیف زیاد شد خصوصاً با عصر ترجمه که نقطه اوج ارزش و اهمیت کتاب را در جهان اسلام روشن ساخت و دانشمندان اسلامی دو حرکت را آغاز نمودند:

الف: ایجاد دو توسعه فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی

ب: حرکت دومی که ایجاد شد و دانشمندان در آن سهم سرنوشت سازی و اساسی داشتند تأسیس کتابخانه های گوناگون در سراسر جهان اسلام بود که با ذکر شواهد و نمونه های گوناگون به نقش آنها اشاره شد.

### فهرست منابع

- ۱- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه محمد علی انصاری. (بی تا).
- ۲- الامین، محسن، اعیان الشیعه -. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، (بی تا).
- ۳- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه رضاتجدید- تهران: ۱۳۴۶ ش
- ۴- البحرانی، عبد الله، عوالم العلوم و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال، قم؛ مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۵ ق
- ۵- حماده، محمد ماهر، المكتبات فی الاسلام نشات ها و تطورها و مصائرها، بیروت: مؤسسه الرساله ۱۳۹۸ ق
- ۶- الخطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، بیروت: دارالکتاب العربی ۱۳۹۰ ق
- ۷- رفیعی، علی، تقسیم بندی علوم، نشریه خبری کنفرانس و فرهنگ تمدن اسلامی (بهمن ۱۳۷۲)
- ۸- شکویی، علی، کتابخانه های جهان اسلام، نشریه دانشکده ادبیات علوم انسانی، شماره ۱، بهار ۱۳۶۲ .
- ۹- شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام . ترجمه محمد حسین ساکت؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۱ .